

فصلنامه تخصصی علوم سیاسی

سال چهاردهم، شماره چهل و چهارم، پاییز ۱۳۹۷

تاریخ دریافت: ۹۷/۰۲/۲۴

تاریخ تصویب: ۹۷/۰۸/۱۴

صفحات: ۹۵ - ۱۲۲

روابط خارجی ایران و عربستان در سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۲ با تاکید بر

تحولات سوریه

شیوا جلال پور

استادیار گروه علوم سیاسی، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران

ابوطالب جعفری*

دانشجوی دکتری علوم سیاسی، واحد اهواز، دانشگاه آزاد، خلیج فارس، ایران

چکیده

ایران و عربستان دو کشور مهم در خاورمیانه محسوب می‌شوند هر چند اختلافات مذهبی میان دو کشور وجود دارد اما اشتراکات فرا مذهبی (دینی) نیز وجود دارد که این دو روند روابط خارجه دو کشور را در ادوار مختلف بنا نهاده است مطالعات نشان می‌دهد هر چه از دوران ریاست جمهوری محمود احمدی نژاد گذشته روابط دو کشور رو به سردی گرایش پیدا کرده و تنش بین ایران و عربستان شدت گرفته است. اساسا تعلقات طرفین نسبت به حوزه‌های نفوذشان و ورود هر یک به حوزه تحت نفوذ دیگری علل اصلی این تنش‌ها بوده است که منجر به تخاصم و حتی تهدید لفظی بین دولتمردان دو کشور در سال‌های اخیر گردید بنابراین آنچه مسلم است عربستان خود را مدافع تسنن در منطقه می‌داند و ایران خود را مدافع تشیع در منطقه می‌خواند. قدر مسلم آنست که مسایل ژئوپلیتیکی منطقه یا تاثیرگذار بر روابط ایران و عربستان می‌باشد یا تاثیرپذیر از این روابط می‌باشد. سوالی که در پژوهش حاضر مطرح است این است که اساسا چه مسایلی در استحکام و گسست روابط بین دو کشور در سال‌های ۸۴ تا ۹۲ دخیل بوده؟ که در پاسخ به فرضیه حاصل از این پرسش می‌توان گفت مسائل منطقه‌ای از جمله تحولات سوریه بوده و اینکه ایران از حکومت در سوریه و عربستان از معارضین در سوریه حمایت می‌نماید.

* نویسنده مسئول، ایمیل: a.jaafari۲۳۹@gmail.com

کلید واژه: ژئوپلیتیک، سوریه، ایران، عربستان، تشیع و تسنن.

مقدمه

اگر بخواهیم به طور کلی به بحث سیاست خارجی بپردازیم سه عامل مهم ژئوپلیتیک، اکونومیک و استراتژیک در تشدید یا تضعیف روابط خارجی دو یا چند کشور موثر هستند وجود این سه عامل می‌تواند به سود یا زیان یک کشور واقع گردد از نگاه ژئوپلیتیکی روابط ایران و عربستان وابسته به استراتژیک آنها بوده از این منظر نیز مرز بندی‌های ایدئولوژیک را نباید نادیده گرفت از آنجا که می‌توان دو کشور ایران و عربستان را از قدرت‌های برتر منطقه دانست. به طوری که هر یک برخی از کشورهای همسایه و همفکر خود را در منطقه هدایت و حمایت می‌کنند. و این حمایت‌ها گاه معنوی و گاه مادی بوده است. به نحوی که حمایت‌های ایدئولوژیک عربستان از سنت و کشورهای قطر، یمن، بحرین و امارات بوده است و ایران از کشورهای از جمله: سوریه، لبنان عراق و جنبش حماس و به طور کلی محور مقاومت را حمایت کرده است عربستان خود را خواستگاه اسلام می‌داند و ایران نیز خود را راهبر اسلام شیعی می‌داند.

سوریه کشوری است که می‌توان آن را گذرگاه بین ایران و لبنان دانست و همینطور فلسطین چرا که اهداف چندین ساله این کشورها مشترک بوده و آن هم مخالفت با اسراییل و جنگ سرد و گرم با آن بوده و با توجه به اینکه سوریه تبدیل به محور مقاومت شده است بی‌شک یکی از موقعیت‌های استراتژیک ایران محسوب شده و به سادگی از آن نخواهد گذشت. از آن سو نیز عربستان تمام قوای خود را بسیج کرده تا به هر طریق ممکن که باشد کمر مقاومت را در منطقه خم کند. در بحث اکونومیک نیز بستگی به میزان سرمایه گذاری‌های است که طرفین در منطقه داشته‌اند که بی‌شک عربستان از این پتانسیل برخوردارتر بوده است. اصولاً در ارزیابی سیاست خارجی باید از منطق «همه یا هیچ» و «سیاه و سفید» اجتناب کرد و از منظر «هم این و هم آن» به تحلیل آن نشست. نگاه خوشبینانه و بدبینانه هیچ یک قادر نیست شناخت صحیح و ارزیابی واقعی از سیاست خارجی ارائه دهد. ارزیابی دقیق و منصفانه از سیاست خارجی نیز مستلزم ملاک‌ها و معیارهای معتبر و مشخص است. چون بدون شاخص‌های معین و تعریف شده مبنایی برای داوری بی طرفانه و قابل اعتماد وجود نخواهد داشت. بنابراین نخستین گام برای سنجش میزان کامیابی و ناکامی سیاست خارجی، تعیین ملاک‌ها و معیارهای ارزیابی است. اگر چه معیارهای واحد و جهانشمول مورد اتفاق همگان وجود ندارد، با وجود این

— روابط خارجی ایران و عربستان در سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۲ با تاکید بر تحولات سوریه ۵

می‌توان ملاک‌ها و شاخص‌هایی را مبنای عمل قرار داد.

این پژوهش در صدد است تا به ارزیابی روابط خارجی ایران با کشور عربستان از سال ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۲ بپردازد. بر این اساس سوالی که تحقیق حاضر در پی پاسخگویی به آن است این است که اساساً روابط خارجی ایران و عربستان در دولت آقای احمدی نژاد چه روندی را طی کرده است و مولفه‌های موثر بر آنچه می‌باشد؟

در پاسخ به این سوال (فرضیه) باید توضیح داد که روابط ایران و عربستان در این دوره پایدار و با ثبات نبوده و تحت تاثیر مولفه‌هایی چون رقابت‌های منطقه‌ای بین دو طرف، اختلافات ایدئولوژیکی، موضوعات داخلی بویژه در سازمان قدرت، و مسائل بین‌المللی از جمله تحولات سوریه قرار داشته است و نوع روابط ایران با عربستان نتیجه تاثیر این متغیرها بوده است.

به وضوح می‌توان گفت ایران و عربستان هر دو از قدرت‌های بزرگ خاورمیانه می‌باشند که تحولات اخیر در خاور میانه روابط ایران و عربستان را دچار بحران کرده همچنین عوامل دیگری علاوه بر سوریه از جمله بحرین، حماس، حزب الله، اخیراً شکل‌گیری داعش و همین‌طور مساله هسته‌ای ایران بر تضاد سیاست‌های خارجه هر دو کشور افزوده است.

حضور نیروهای عربستان سعودی در بحرین حمایت‌های آشکارای ایران از حاکمیت سوریه، همسو بودن سیاست‌های آمریکا و اتحادیه اروپا با عربستان سعودی همچنین تا حدودی گرایش چین و روسیه با ایران در قبال مسائل منطقه، باعث تنش هر چه بیشتر در سیاست خارجه دو کشور شده است بر همین اساس هر دو کشور یکدیگر را به دخالت در امور منطقه متهم می‌نمایند. ایران عربستان را به علت دخالت در امور بحرین، حمایت معنوی و نظامی از تکفیری‌ها در سوریه و همچنین عربستان ایران را به علت دخالت در امور سوریه و حمایت معنوی و نظامی از حزب الله و حماس محکوم می‌کند. اگرچه غالب تضادهای بین دو کشور دلایل ایدئولوژیک دارد. بر همین مبنای این پژوهش دو هدف را پیگیری می‌نماید یک شناختی- علمی که عبارت است از فهم و شناخت روابط خارجی ایران و عربستان در دولت احمدی نژاد، دوم هدف کاربردی که با حس شناخت و احصاء عوامل موثر بر آن در نقش راهبرد روابط خارجی ایران می‌تواند مورد استفاده دست‌اندرکاران سیاست خارجی ایران قرار گیرد. با بهره‌گیری از نظریه سازه‌نگاری و بررسی دلایل واگرایی دو کشور به موضع‌گیری‌های هر دو کشور پرداخته شود. روابط خارجی ایران و عربستان طی سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۲ با تنش توأم بوده و تنزل داشته است. مهمترین عامل تنش‌زای بین دو کشور تضاد ایدئولوژیک است.

ایران به دنبال سیاست‌های ضد آمریکایی در منطقه و عربستان به دنبال پیاده‌سازی سیاست‌های امریکاست.

دو کشور ایران و عربستان دارای تضادهای هستند که این تضادها به بیش از چند صد سال بر می‌گردد و حتی می‌توان عمق آن را از آغاز اسلام دانست، اما اکنون شکاف ایدئولوژیک بین این دو کشور یکی از اصلی‌ترین مولفه در روند رابطه‌ی خارجی این دو کشور است که می‌توان از چارچوب سازه‌انگاری به تحلیل این روند در دوران ریاست جمهوری محمود احمدی نژاد پرداخت سازه‌انگاری یکی از تئوری‌های روابط بین‌الملل هست که در جامعه‌شناسی مطرح بوده است. این رویکرد بر ساخت اجتماعی واقع‌گرایی و اثر متقابل انسان‌ها در فضاهای اجتماعی تکیه دارد و معنا پیدا می‌کند و واقعیت‌های پیرامون ما را می‌سازد در این نظریه فرهنگ، هویت و هنجار در سیاست‌های جهانی موثر هستند که منافع دولت‌ها را پوشش می‌دهند. در سازه‌انگاری منافع از روابط اجتماعی تامین می‌شود و روابط دولت‌ها بر اساس معنایی است که برای یکدیگر قائلند. هویت یک امر رابطه‌ای است که به معنای درک از خود و انتظارات از دیگران است نگاه سازه‌انگاران به هنجارها و قواعد نیز مهم است و در زمینه تاکید بر هنجارها با نظریات لیبرال اشتراک دارد. اما تفاوت آنها با لیبرال‌ها در تاکید بر تنظیم هنجارها است که سازه‌انگاری علاوه بر این بر جنبه تکوینی آن نیز تاکید دارند و معتقدند که هنجارها در پی فرایندهای تعاملات بوجود می‌آید. روش تحقیق این رساله توصیفی-تحلیلی و روش گردآوری اطلاعات و داده‌های مطالعاتی آن کتابخانه‌ای و اسنادی می‌باشد. از این رو در روند تحقیق سعی خواهد شد داده‌های لازم را از منابع گوناگونی چون کتب، اسناد، گزارش‌های رسمی، سخنرانی‌ها و مقالات و نیز منابع اینترنتی و در صورت امکان مصاحبه با کارشناسان سیاست خارجی و همچنین تحلیل‌های موجود در این زمینه استخراج و به شکلی منطقی مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد.

روابط ایران و عربستان قبل از انقلاب

ایران و عربستان دو قدرت و بازیگر اصلی در منطقه خاورمیانه و خلیج فارس محسوب می‌شوند که تعاملات و قواعد رفتاری حاکم در میان آنها در تعیین روند سیاسی نظامی، اقتصادی و اجتماعی حاکم در منطقه تاثیرات درخور توجه‌ای دارد. تاملی در مناسبات دو کشور با یکدیگر در گذشته نشان می‌دهد هر زمان که صلح و آرامش و همکاری در روابط آنها حاکم بوده است، منطقه نیز ثبات و امنیت داشته، اما با آغاز تنش و بی‌ثباتی بین دو کشور منطقه نیز به بی‌ثباتی

— روابط خارجی ایران و عربستان در سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۲ با تاکید بر تحولات سوریه ۵

دچار شده است.

ابتدای تشکیل حکومت سلطنتی آل سعود با دوران سلطنت رضاخان در ایران همزمان بود. ملک عبدالعزیز در سال ۱۳۴۴ ه. ق سلطه خود را بر حجاز و نجد رسمیت بخشید و طی ابلاغیه‌ای خود را «جلالۀ ملک الحجاز و سلطان نجد و ملحقات‌ها» ملقب نمود، در دوم شهریور ۱۳۰۸ ه. ش برابر با ۱۸ ربیع‌الاول سال ۱۳۴۸ ه. ق بین دو کشور ایران و پادشاهی حجاز و نجد پیمان‌نامه‌ای در پنج ماده منعقد گردید.

بنابراین می‌توان فاصله سال‌های ۱۲۹۹ تا ۱۳۰۴ را دوران تردید و سردرگمی ایران در برقراری رابطه با عربستان دانست، تردیدی که مهمترین نمونه آن را می‌توان در نپذیرفتن تقاضای کمک پادشاهی حجاز از ایران (به رغم توصیه عین‌الملک هویدا، فرستاده ایران به حجاز) برای مقابله با آل سعود دانست. (احمدی، ۱۳۸۶: ۴۷) حکومت تازه تاسیس عربستان باعث دلیلی بود تا دولت ایران در سال‌های ۱۳۰۴ تا ۱۳۰۸ به رغم پیام‌های مثبتی که از سوی دولت عربستان دریافت می‌کرد، نسبت به حکومت سعودی‌ها در عربستان نگاه مثبتی نداشته باشد و با بدگمانی به حکومت آنها نگاه کند. (احمدی، ۱۳۸۶: ۵۱)

عهدنامه مؤدت به دست حاج مهدیقلی هدایت نخست وزیر ایران به نمایندگی از شاه ایران و شیخ عبدالله القصل و شیخ محمد عبدالرئوف به نمایندگی از پادشاه حجاز و نجد به امضا رسید. این عهدنامه سپس در تاریخ ۱۹ دی ۱۳۰۸ ه. ش به مجلس شورای ملی رفت و در این تاریخ به تصویب مجلس شورای ملی نیز رسید و در ۱۹ خرداد ۱۳۰۹ ه. ش در جده بین دو طرف مبادله شد و در مرداد همان سال به بایگانی جامعه ملل متحد فرستاده شد.

حکومت ایران در سال ۱۹۲۹ م برابر با ۱۳۰۸ ه. ش دولت حجاز و نجد و ملحقات آن را به رسمیت شناخت و با پیامی از طرف رضاشاه، پادشاهی ملک عبدالعزیز را به وی تبریک گفت و از بهبود روابط بین دو کشور ایران و عربستان (پادشاهی حجاز و نجد و ملحقات آن) ابراز خرسندی نمود.

پیمان مؤدت شروع همکاری بین دو کشور بود. در سال ۱۳۰۹ ه. ش ایران اقدام به ایجاد سفارت‌خانه در کشور حجاز و نجد نمود و حبیب‌الله هویدا (عین‌الملک) را به عنوان اولین سفیر خود در این کشور برگزید

مهمترین علتی که بین دو کشور مسئله و مشکل ایجاد می‌نمود، مشکل حاجیانی بود که از طرف ایران به این کشور برای انجام فریضه حج اعزام می‌شدند و وهابی‌ها با برخورد بد با

ایرانیان شیعه، دولت ایران را مجبور به ترک ارتباط با دولت سعود می‌کردند. در اواخر دوره رضاخان، ایران سفارت خود را در کشور حجاز و نجد تعطیل نمود و امور مربوط به آن را به سفیر ایران در مصر واگذار نمود. تا ۱۳۱۴ شمسی مقامات دو کشور ایران و عربستان ملاقات‌های بسیاری با یکدیگر داشتند و روابط دو کشور در این بازه زمانی روابطی گرم و کم تنش بود. اما به دنبال شروع جنگ جهانی دوم و بحرانی شدن اوضاع منطقه، روابط ایران و عربستان نیز به سردی گرائید و روابط دو جانبه میان دو کشور کاهش یافت. (احمدی، ۱۳۸۶: ۷۷) در سال ۱۳۲۰ ه.ش دولت ایران رفتن به حج را برای ایرانیان ممنوع اعلام کرد. با این وجود برخی از مردم ایران بودند که پنهانی به حج می‌رفتند و حج می‌گذاردند. در سال ۱۳۲۲ ه.ش ماجرای روی داد که منجر به قطع رابطه سیاسی بین دو کشور ایران و عربستان شد و آن قتل یکی از حجاج ایرانی به نام ابوطالب یزدی بود. به همین سبب روابط سیاسی و اقتصادی بین دو کشور مجدد به مدت چهار سال قطع شد در همین سال به دلیل درگیری شدید بین شیعیان و مقامات سعودی در جرم و اتهام وهابیان به حاجی ایرانی که نهایتاً با اعدام وی و جدا ساختن سر این حاجی ایرانی در ملاء عام، رابطه سیاسی دو کشور قطع گردید. در سال ۱۳۲۶ هیات حسن نیتی از طرف عربستان سعودی جهت تجدید روابط دو کشور وارد ایران گردید. (اخوان کاظمی، ۱۳۸۳: ۱۱۵) در سال ۱۳۲۷ ه.ش که دولت عربستان خواستار از سرگیری روابط شده بود با موافقت شاه ایران روابط بین دو کشور دوباره برقرار شد.

پادشاه عربستان در سال ۱۳۲۲ خواستار برقراری ارتباط دو کشور شد شاه ایران نیز بادرخواست آنها موافقت نمود در این میان شاه سعودی به ایران سفر نمود و روابط دو کشور در حوزه حج و نفت از سر گرفته شد. موضوع نام خلیج فارس همواره میان دو کشور مورد بحث بوده از آنجا که عربستان در برخی موارد از نام‌های غیر نام خلیج فارس نام می‌برد و کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس رانیز به این سمت تشویق می‌نمود هرچند این موضوع مورد نکوهش دولت ایران واقع گردید اما باعث قطع روابط نشد.

یکی دیگر از مناقشات بین ایران و عربستان در دوره پهلوی اول، مسئله بحرین بود. در سال ۱۳۳۶ مجلس ملی ایران بحرین را به عنوان استان چهاردهم کشور ایران تصویب نمود، عربستان سعودی در این دوره و به دلیل حاکمیت تسنن بحرین و عرب زبان بودن ساکنین بحرین و همچنین به دلیل دور افتاده بودن از ایران به دنبال برقراری ارتباط با حاکمان بحرین و بستن قرارداد در حوزه نفتی با آنان بود. و بعد عربستان با حاکم بحرین موافقتنامه‌ای را در مورد

— روابط خارجی ایران و عربستان در سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۲ با تاکید بر تحولات سوریه ۵

اکتشاف و بهره‌برداری از منابع نفت خلیج فارس امضاء نمود. هر چند دولت ایران به این اقدام عربستان اعتراض نمود اما منجر به قطع روابط نشد.

روابط دو کشور ایران و عربستان در دهه ۱۳۵۰ با دکتربین سیاسی نیکسون به یکدیگر پیوند خورده و بیشتر با آئین مزبور قابل تفسیر و تبیین می‌باشد. در چارچوب این دکتربین دو کشور همکاری‌هایی را در منطقه برای حفظ امنیت منطقه و منافع غرب آغاز می‌نمایند. در چارچوب این دکتربین دو کشور همکاری‌هایی را در منطقه برای حفظ وضع موجود و منافع غرب آغاز می‌نمایند. در این راستا ایران با قدرت بالقوه نظامی خود حفظ امنیت منطقه را به عهده می‌گیرد و عربستان با توان مالی و ذخایر عظیم نفتی نقش قدرت اقتصادی را متعهد می‌شود. با وجود این همکاری‌ها در روابط دو کشور در این برهه نیز به چشم می‌خورد. (اخوان کاظمی، ۱۳۷۳: ۱۴۰)

در دوران حکومت نیکسون، ایران که تا اواسط دهه ۱۳۴۰ نقش درجه دومی در سیاست خاورمیانه داشت به یکی از مهره‌های اصلی سیاست منطقه تبدیل شد و در اوائل دهه ۱۳۵۰ یکی از ستون‌های نگهدارنده منافع آمریکا در منطقه تبدیل شد. عوامل این دگرگونی را پیش از تغییر حکومت در آمریکا و سماجت شاه، باید در تغییر کلی شرایط منطقه جستجو کرد. مقامات سیاسی آمریکا در اظهار نظرهای رسمی خود از ایران و عربستان سعودی دو ستون اصلی دفاع از امنیت خلیج فارس نام بردند البته عربستان سعودی که کشوری کم جمعیت و عقب مانده بود، عملاً نقش مهمی در تامین امنیت منطقه نداشت و بار اصلی حراست از امنیت خلیج فارس و کشورهای ساحل جنوبی آن بر دوش ایران بود که بعنوان نمونه، ایفای وظیفه ایران، می‌توان به مداخله نظامی این کشور در سرکوب شورشیان ظفار اشاره کرد. گرچه سیاست دو پایه نیکسون بر تامین امنیت منطقه توسط کشورهای این حوزه ایران و عربستان پایه‌ریزی شده بود ولی شرط آن حمایت و ضمانت آمریکا از این کشورها نیز بود. به عبارت دیگر اجرای این سیاست لازم‌هاش همکاری منطقه‌ای با حمایت آمریکا بود. لذا از آنجا که شاه نیز خود را یک قدرت در فراخنای اقیانوس هند می‌دانست قرار شد برای حفظ وضع موجود منطقه، دو مثلث همکاری در دریا و خشکی برقرار شود. حلقه ارتباطی در دریا عبارت از مثلث افریقای جنوبی - ایران و استرالیا بود، که پایگاه آمریکا در اقیانوس این سه ضلع را به هم مرتبط می‌کرد. حلقه ارتباطی در خشکی بین مثلث ایران و عربستان و اسرائیل منعقد شده بود و وجه مشترک این کشورها، تلاش برای حفظ وضع موجود بود. در ارتباط با مثلث دوم، هر سه کشور طرفدار حفظ وضع موجود، در مقابل نیروهای تجدید نظرطلب مثل ناصریست‌ها و بعثی‌ها بودند.

در هر صورت نقش ایران و عربستان قبل از انقلاب در یک جهت ایفا می‌شد با این تفاوت که توان مالی عربستان بالاتر بود ولی نقش سیاسی، نظامی شاه و ایران بر عربستان بیشتر بود. در راستای حفظ وضع موجود هر دو کشور به سوماتی در جنگ آن کشور با اتیوپی کمک کردند. پس از آنکه عربستان سعودی در یمن جنوبی ناکام ماند، با حمایتی که مشترکا با شاه ایران از سلطان قابوس عثمانی نمود، کوشید تا انقلاب یمن را به اصطلاح «محاصره» کند و در قسمت جنوبی و غربی دریای سرخ هم به تقویت رژیم سوماتی بپردازد سعودی با کمک‌های مکرری که به کشورهای منطقه داشته، توانسته است در گذشته و حال نوعی کنترل نسبی را در تصمیمات آنها اعمال کند. در سیاست دو پایه نیکسون اگر چه ضرورتا بین ایران و عربستان همکاری و هم‌جهتی عمیقی وجود داشت ولی در بطن این همکاری‌ها همچنان نوعی رقابت موجود بود و عربستان از قدرت مسلط و بی‌چون و چرای ایران در منطقه دائما در اضطراب بود. البته نظامی‌گری رژیم شاه و خرید بیش از حد تسلیحات این رژیم، به اضطراب و هراس عربستان دامن می‌زد. در طول دهه ۱۳۵۰ ایران بزرگترین خریدار اسلحه در میان کشورهای در حال توسعه جهان سوم بود. و در حدود ۲۷ درصد کل بودجه این کشور صرف امور نظامی و دفاعی می‌شد و در فاصله ۱۳۵۳ الی ۱۳۵۵ در حدود یک سوم کل صادرات اسلحه و تجهیزات نظامی از امریکا به کشورهای خارجی، به ایران ارسال می‌گشت. بعد از ناصر، بین عراق و عربستان سعودی بر سر رهبری جهان عرب رقابت وجود داشت اما عربستان بخاطر تسلط بر منابع عظیم مالی توانست زمینه‌های مناسبتری بدست آورد به همین خاطر این کشور هیچگاه حاضر نبود که سیادت برتر در منطقه، به طور کامل به ایران اعطاء شود و همیشه دنبال فرصتی بود که این نوع سیادت نصیب خودش گردد. در مجموع، می‌توان محورهای عمده همکاری ایران و عربستان سعودی یا به تعبیری، دلایل نزدیکی این دو کشور به یکدیگر در فاصله سال‌های ۱۳۳۲ تا اواسط دهه ۷۰ را به ترتیب زیر برشمرد:

- حفظ امنیت و ثبات خلیج فارس
- تلاش در جهت حل مناقشه میان اعراب و اسرائیل
- تلاش در جهت تعدیل موضع کشورهای تندروی عرب
- تلاش در جهت ایجاد همبستگی میان کشورهای اسلامی و کمک رسانی ملی به بسیاری از این کشورها.
- مبارزه با کمونیسم

— روابط خارجی ایران و عربستان در سالهای ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۲ با تاکید بر تحولات سوریه ۵
- افزایش روابط با جهان غرب و در راس آن ایالات متحده امریکا (احمدی، ۱۳۸۶: ۱۵۱)

روابط ایران و عربستان بعد از انقلاب اسلامی

اساساً عربستان پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران سکوت اختیار کرده و تا مدتی پس از انقلاب واکنشی از خود بروز نداد عربستان تقریباً در این مرحله سیاست صبر و انتظار را در پیش می‌گیرد تا مشخص شود حاکمیت در ایران به دست چه گروهی خواهد افتاد و پس از مدت زمانی مقامات عربستان از جمله فهد ولیعهد عربستان و ملک خالق در خصوص انقلاب و رهبر انقلاب نظرهای مثبتی اعلام نمودند.

کمتراً از یک سال پس از انقلاب اسلامی، در محرم ۱۳۵۸ شیعیان در روز عاشورای همان سال، مراسم عزاداری حسینی را که در عربستان ممنوع بود برگزار کردند. این مراسم در حالی برگزار شد که با درگیری نیروهای امنیتی عربستان مواجه شد و موجب کشتار ۳۶ نفر از معترضان گردید. آنها بانک‌ها و موسسه‌های دیگر را به آتش کشیدند و علیه رژیم سلطنتی شعار سر دادند (آقایی: ۱۳۶۸) هر چند نیروهای امنیتی عربستان از گسترش اعتراضات کاست اما مقامات عربستان عامل این مسایل را انقلاب ایران می‌دانست و تلویحاً اعتراضات خود را مطرح می‌نمودند. نگرانی مقامات سعودی از انقلاب اسلامی پس از قیام سنی‌های تندرو و اشغال مسجدالحرام در ۱۴۰۰ قمری و قیام شیعیان در منطقه شرقیه فاصله کمی از آن دو چندان شد (فولر، ۱۲۵: ۱۳۷۳) جمهوری اسلامی ایران پس از انقلاب توسط برخی از انقلابیون تلاش در جهت صدور انقلاب داشت، واکنش عربستان جهت جلوگیری از صدور آن به منطقه منجر به تنش میان دو کشور می‌شد، عربستان با حمایت از کشورهای مخالف ایدئولوژی ایران می‌پرداخت و همینطور در زمان جنگ ایران و عراق حمایت‌هایی از عراق داشت به نحوی که گاهی بی طرف و گاهی در شکل یک هم‌زبان عربی از عراق حمایت‌هایی داشت. عربستان تمام تلاش خود را به کار بست و اقداماتی از جمله سرکوب، تسمیع و ترفیع را انجام داد تا موج اعتراض همزمان با انقلاب ایران را در کشور خود فروکش نماید در این راستا اقدام توزیع خدماتی در حوزه آموزش، سلامت، عمران و اقتصادی نمود همچنین دولت سعودی برخی از زندانی‌های سیاسی را آزاد کرد. عربستان سعودی این احتمال را می‌داد که شاید نیروهای شیعی ارشد نظامی ارتش با الگوبرداری از انقلاب ایران با رهبری تشیع و هماهنگی مردم بخصوص شرق عربستان دست به کودتا بزنند بر همین اساس نسبت به اخراج آنها از ارتش اقدام نمود.

اختلاف نظر میان مقامات ایرانی بر نحوه مدیریت کشور بخصوص در دولت موقت و بنی صدر عربستان را متمایل به این دولت‌ها کرد دولت موقت با صدور انقلاب مخالف بود و با استناد به رویه‌ها و مقررات پذیرفته شده بین‌المللی، تکیه بر صدور انقلاب را مغایر اصل مداخله نکردن در امور داخلی سایر کشورها می‌دانست و معتقد بود به جای تکیه بر صدور انقلاب، بهتر است جامعه‌ای نمونه و الگو بسازیم تا دیگران آن را سرمشق قرار دهند و از آن تقلید کنند.

با حذف و کناره‌گیری دولت بنی صدر و بازرگانان در ایران و به قدرت رسیدن نیروهای انقلابی، اوضاع تغییر کرد و مقامات ریاض به شدت احساس نگرانی کردند. در واقع، انقلاب ایران زنگ خطری بود برای کشورهای حاشیه خلیج فارس و به خصوص عربستان که سیستم حاکمیت آنان نیز مشابه ایران قبل از انقلاب بود.

روابط دو کشور در سال ۱۳۶۴ به بعد از سفر وزیران خارجه دو کشور و تبادل نظر منجر به بهبود روابط گردید و کمتر از یک سال دیگر در سال ۱۳۶۵ عربستان اقدام به افزایش تولید نفت با همکاری دیگر کشورهای عربی نمود که منجر به کاهش قیمت آن گردید عربستان میدانست ایران در جنگ با عراق است لذا با افزایش صدور نفت بر این بود تا ایران را در جنگ با عراق دچار واماندگی در تامین هزینه جنگ، نماید کشته شدن الغامدی دیپلمات عربستان در پی حمله برخی معترضان به سیاست‌های عربستان سعودی در تهران روابط را تیره‌تر کرد و پس از آن عربستان به مدت سه سال روابط خود را با ایران قطع کرد پس از پذیرش قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت سازمان ملل توسط ایران حمله نا به هنگام عراق به کویت در سال‌های ۱۳۶۷ و ۱۳۶۹ عربستان نسبت به سیاست‌های اتخاذی ایران واکنش‌های مثبتی نشان داد جنگ عراق علیه کویت و جهت گیری قابل قبول جمهوری اسلامی ایران علیه عراق و تجاوزکاری آن سبب بهبود و جایگاه منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران گردید. (کولایی، ۱۳۸۰: ۱) که در پی آن وزرای خارجه دو کشور پس از آن دیدارهایی با هم در اجلاس سالانه مجمع عمومی سازمان ملل در ژنو داشتند و کمتر از یک سال پس از این دیدارها هر دو کشور اقدام به بازگشایی سفارتخانه‌های خود در کشورهایی یکدیگر نمودند. دوره ریاست جمهوری سید محمد خاتمی را می‌توان دوره تنش‌زدایی دو کشور دانست که منجر به سفر بالاترین مقامات دو کشور به کشورهای یکدیگر شد امیر عبدالله ولیعهد عربستان در سال ۱۳۷۶ جهت شرکت در اجلاس سران کشورهای عضو سازمان کشورهای اسلامی به ایران سفر کرد ریاست جمهوری ایران نیز به عربستان جهت شرکت در مراسمی نسبت به تحکم روابط پاسخ داد.

— روابط خارجی ایران و عربستان در سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۲ با تاکید بر تحولات سوریه ۵
دوره ده ساله ما بین پایان جنگ عراق علیه ایران ۱۳۶۷ تا انتخاب آقای خاتمی به ریاست
جمهوری ۱۳۷۶ را می‌توان در واقع دوره ارزیابی دو طرف از یکدیگر نام نهاد که دو طرف
مشغول آماده نمودن زمینه‌های همکاری واقعی بودند. (اخوان کاظمی، ۱۳۷۳: ۷۴) ارائه نظریه
"گفت و گوی تمدن‌ها" و "اتتلاف برای صلح" در برابر شعار جنگ طلبانه قدرت‌های بزرگ و
پیش گرفتن رویه "تنش زدایی" در سیاست خارجی، همسایگان عرب را متوجه این نکته کرد
که ایران اسلامی سودای کشور گشایی در سر نمی‌پروراند.

شورای همکاری خلیج فارس

عربستان سعودی اقدام به تشکیل شورای همکاری خلیج فارس کرد. این شورا متشکل از
شش کشور عربستان، بحرین، کویت، عمان، قطر و امارات متحده عربی بود که دبیرخانه آن در
ریاض قرار داشت که اعضای آن اهداف تجاری و اجتماعی مشترکی را پیگیری می‌کنند. این
شورا در ۲۵ مه ۱۹۸۱ میلادی و با هدف یکپارچگی اقتصادی و نظامی تشکیل شد. از جمله
اهداف کشورهای عضو، رسیدن به واحد پولی مشترک تا سال ۲۰۱۰ بود کارکرد اولیه آن، اتحاد
کشورهای عربی حوزه خلیج فارس بود و تحت نام

(Gulf Cooperation Council) - مجلس التعاون لدول الخليج العربیه) تأسیس
شد. خلیج فارس دریای نیم بسته و کم عمقی است که فقط از طریق تنگه هرمز با اقیانوس هند
در ارتباط است. تبادل آبی آن با این اقیانوس به اندازه کافی انجام نمی‌گیرد. از این گذشته میزان
تبخیر آب از سطح خلیج فارس بیش از مقدار آبی است که به صورت باران و جریان رودخانه‌ها
به آن وارد می‌شود و می‌تواند در حوزه‌های زیست محیطی نیز همکاری داشته باشند. می‌توان
گفت یکی از علل تنش‌های میان دو کشور شکل‌گیری شورای همکاری خلیج فارس بوده، زیرا
که عربستان با رهبری کشورهای عضو این شورا که غالباً عرب زبان هستند منجر به تصمیماتی
می‌شود که اساساً بر ضد منافع ایران می‌باشد.

اوپک

نقش عربستان سعودی در سازمان اوپک به دلیل منابع نفتی نقش قابل توجه‌ای هست
اوپک همواره یکی از میادین اصلی رقابت ایران و عربستان بوده است. عربستان در در جلسه

۷۶ اوپک، با طراحی علیه ایران طرحی را مبنی بر دفاع از سهمیه اوپک در بازار جهانی به بهای کاهش قیمت نفت ارائه کرد. این طرح با وجود مخالفت ایران تصویب شد و عربستان و سایر شیخ نشین‌ها در معارضه با ایران، بازارهای نفتی را آنچنان اشباع کردند که قیمت نفت به کم‌ترین سطح خود در تاریخ رسید. هدف اصلی این توطئه آن بود که با قطع درآمدهای ارزی حاصل از نفت ایران و همچنین با بمباران پایانه‌های نفتی ایران توسط عراق، با ایجاد مشکلات داخلی و تضعیف تدارکات و پشتیبانی جنگی، ایران را به پای میز مذاکره بکشاند آنها معتقد بودند با کاهش قیمت نفت ایران در تامین هزینه‌های جنگی تضعیف شود. وجود ایران به عنوان یکی دیگر از اعضای موسس این سازمان، مسائل درون اوپک و روابط بین ایران و عربستان را بیشتر تحت تاثیر قرار می‌دهد. ضعف دو دهه گذشته اوپک که از دو دستگی در درون این سازمان ناشی گردیده تا حد زیادی به علت عدم برخورد صحیح عربستان بوده و این کشور با داعیه رهبری اوپک در دوره مورد نظر همواره سیاست‌های ویژه خود را در این سازمان اعمال نموده است.

منافع مشترک ایران و عربستان

اسلام را می‌توان یکی از منافع مشترک دو کشور در بعد معنوی دانست بدین لحاظ که بنیان و اساس هر دو حکومت بر مبنی دین اسلام شکل گرفته است و هر دو ادعای رهبری اسلام را دارند در منطقه برای اشتراک مساعی در حوزه معنوی اسلام بستر مناسبی است. از این جهت می‌توان بعد اقتصادی دو کشور را نیز پوشش داد و در ذیل دستورات اسلامی که همواره مسلمانان را به برادری و برابری سفارش کرده برای حوزه‌های مادی نیز برنامه‌ریزی‌هایی داشت. گام دوم در منافع مشترک دو کشور و حتی کشورهای همسایه که سیاست‌گذاری‌های هر یک از این کشورها به دلایلی متاثر از ایران و عربستان هستند را در منطقه قابل بررسی است، کشورهای حوزه خلیج فارس، یک منطقه دریایی - زمینی، که صاحب غنی‌ترین ذخایر نفت و گاز جهان است طبق یک برنامه‌ریزی هم‌گرایانه و استراتژیک دسته جمعی و با همسنجی‌های علمی و با کار بست اصول و مبانی درست سیاسی، هدف‌های متقارب تعیین گردد قابل ذکر است که هدف‌های متقارب باید متضمن احترام متقابل، حفظ حاکمیت ملی، استقلال، تمامیت ارضی، خاصه "امنیت" ملی و در برگیرنده همه جنبه‌های امنیت کشورهای خلیج فارس باشد

— روابط خارجی ایران و عربستان در سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۲ با تاکید بر تحولات سوریه ۵

روشن است که با تغییر جو سیاسی در جهان، و حاکمیت تشنج زدایی بین قدرت‌های بزرگ و برقراری دکترین: مذاکره، به جای مقابله و یا دیپلماسی به جای جنگ این دیدگاه، عملی است. در چنین شرایط جهانی، الزاماً هدف‌ها به هم نزدیک خواهند شد و آرمان‌ها یکدیگر را جذب خواهند نمود و همساز خواهند شد و در نهایت اهداف همگرایی را ایجاد خواهند کرد.

همگرایی‌های فرهنگی در بطن استراتژی جامع بین ایران و عربستان از ارثیه والای مشترک فرهنگی — تاریخی این منطقه است که از هزار سال پیش به میزبانی بس وسیع و غنی وجود دارد. کتاب آسمانی مسلمین جهان، قرآن مجید که تمامی امت اسلامی را در درون این مجموعه، باملاط معنوی ناب به هم پیوند زده، و مقدس‌ترین عامل همگرایی وحدت مسلمانان به شمار می‌رود، به زبان عربی نگاشته شده است. علاوه بر این بسیاری از واژگان عربی، از دور دست‌های تاریخ به زبان و ادبیات فارسی راه یافته و جزیی از فرهنگ و ادبیات منطقه خلیج فارس شده است. ضمن آنکه زبان عربی، زبان دینی، کلام و اجرای مناسک دینی، دعا و نیایش و سوگواری، جشن و سرور، روابط اجتماعی و آداب و رسوم اجتماعی و سیاسی مردم منطقه بوده است. از سوی دیگر رواج فرهنگ و زبان ادبیات فارسی و نفوذ و سرایت آداب و رسوم ایرانیان از زمان‌های کهن در تمام شئون و حیات اجتماعی مردم این سامان و حشر و نشر باشندگان دو سویه شمال و جنوب حوزه خلیج فارس خصوصاً دانشمندان و سخنوران از جمله فاکتورهای مهم پیوندگر و همگرایی محسوب می‌شوند که بدون هیچ گونه درنگی، در درازای تاریخ این حوزه عملی شده است. (خویی، ۱۳۷۲: ۷۱)

مسلمانان جهان همه ساله برای اعمال فرایض حج به دور از هر گونه روابطی که دولت‌ها با هم دارند به سوی کعبه قبله‌گاه خود روی می‌آورند. وجود مکه و مدینه در عربستان از نظر فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی برای عربستان بسیار مهم است و از بعد سیاسی نیز برای جهان اسلام اهمیت بسیار دارد. و به همین دلیل عامل نیرومند می‌تواند به عنوان یکی از مهمترین ابزارهای همگرایی بین ایران و عربستان مورد بررسی قرار گیرد.

وجود مکه و مدینه در عربستان عملاً به نقش ویژه عربستان در میان کشورهای اسلامی کمک می‌نماید و به عنوان عامل استحکام روابط و اتحاد و همگرایی این کشور با سایر کشورهای اسلامی ایفای نقش می‌نماید. برنامه حج که خود ذاتاً موجب وحدت و همبستگی واقعی و قلبی همه مسلمانان است می‌تواند به عنوان یک عنصر پر جاذبه موجبات همگرایی ایران و عربستان را به طور واقعی فراهم آورد. حقیقتاً چه عاملی می‌توان این همه پر جاذبه باشد

۵ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال چهاردهم، شماره چهل و چهارم، پاییز ۱۳۹۷

و انسان‌ها را پروانه‌وار و یکرنگ و هم‌جهت به دور خود گرد آورده و آنها را به هم نزدیک و حتی با هم یکی نماید. (سبحانی فر، ۱۳۸۳: ۹۲).

منافع مشترک دو کشور نه تنها در حوزه‌های مذهبی و فرهنگی معطوف شده است بلکه در حوزه‌های اقتصادی، نظامی و دفاعی نیز این همکاری وجود دارد، در جریان سفر "امیر سلطان بن عبدالعزیز" وزیر دفاع عربستان به ایران در ماه مه ۲۰۰۰ قرار شد که به زودی یک موافقتنامه همکاری انتظامی در زمینه مبارزه با قاچاق مواد مخدر و تروریسم بین دو کشور به امضاء برسد. مقامات دو کشور تقریباً دو سال مذاکرات کارشناس دقیقی را به منظور دستیابی به دامنه توافق‌های امنیتی و تعریف حوزه همکاری دو جانبه پشت سر گذاشتند. سرانجام پس از مذاکرات وزرای دو کشور ایران و عربستان توافقنامه همکاری امنیتی در آوریل ۲۰۰۱ به امضاء دو کشور رسید.

این توافقنامه مبارزه با "جرایم سازمان یافته" "تروریسم"، "قاچاق مواد مخدر"، "مهاجرت‌های غیرقانونی" و "نظارت بر مرزها و آب‌های منطقه‌ای" می‌باشد. دو کشور با امضای قرارداد امنیتی توافق کردند که پیرامون جرایم سازمان یافته، جعل اسناد دولتی، جرایم اقتصادی، قاچاق اسلحه و کالا و قاچاق میراث فرهنگی، همکاری موثر و مشترک داشته باشند. همچنین بر اساس این توافقنامه، دو کشور درباره تبادل اطلاعات و تجربیات در زمینه مسایل امنیتی و پلیسی، همکاری علمی در زمینه مسائل امنیتی و پلیسی، همکاری علمی در زمینه جرم‌شناسی، همکاری در مرزهای آبی و جلوگیری از تردد غیر مجاز و همکاری در عملیات نجات دریا همکاری خواهند داشت.

بر اساس توافقنامه جامع همکاری میان جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی کمیسیون مشترک اقتصادی تجاری دو کشور از چهار سال پیش به ریاست وزیران بازرگانی ایران و عربستان سعودی تشکیل شده و با تشکیل پنج کمیته همکاری‌های اقتصادی، بازرگانی، سرمایه‌گذاری همکاری‌های علمی، فنی، بهداشتی و محیط زیست همکاری‌های فرهنگی، آموزشی، رسانه‌ای، ورزشی و نوجوانان، حمل و نقل، ارتباطات، مخابرات و نیرو کمیته ویژه بازرگانان، همکاری‌های بین دو کشور راسامان می‌دهد. (اسدی، ۱۳۸۳: ۱۱۵) تنها روزه‌ای که وجود داشت و تنها مسایلی که می‌توان بر روی آن بحث کرد و به تفاهم رسید همین توافقنامه‌ی امنیتی ۲۰۰۱ بوده تا بتوان از این رهیافت روابط دو کشور کمی نزدیکتر شود.

روابط خارجی ایران و عربستان در دولت احمدی‌نژاد

ایران و عربستان کنش‌های متفاوت و اغلب تنش‌زایی در دوران مختلف از جمله قبل و بعد از انقلاب داشته‌اند به طور خاص بعد از انقلاب در دوران احمدی‌نژاد به دلیل نگاه ایدئولوژیک ایشان این روابط تنش‌های بیشتری را طی نمود هر چند در دوران ریاست جمهوری ما قبل از احمدی‌نژاد این تنش‌ها وجود داشت اما از آنجا که مذهب ایران و عربستان مذهبی متفاوت در جهان اسلام بوده و از صدر اسلام تاکنون بین فرقه‌های تشیع و تسنن بر اساس احادیث و روایات موجود تنش‌های مذهبی وجود داشته بر همین اساس این تنش‌ها در دوران ریاست احمدی‌نژاد به اوج خود رسید و آن را در قالب سیاست خارجی ارائه نمود، به طور کلی سیاست خارجی دولت نهم و دهم در قالب ایدئولوژیکی عدالت محور پایه‌گذاری شد و این مسائل باعث واگرایی هر چه بیشتر میان دو کشور شد با همه این تفاسیر اخیراً به نقل از پایگاه خبری وزیر فرهنگ عربستان سعودی عادل طریقی در کارنگی آمریکا ادعا کرده روابط ریاض با تهران در زمان محمود احمدی‌نژاد رئیس‌جمهور سابق خیلی بهتر بود محمود احمدی‌نژاد اولین سفر خود را به عربستان در آذرماه سال ۱۳۸۴ انجام داد این سفر جهت شرکت در نشست چالش‌های جهان اسلام در قرن بیست و راهکارهای برون رفت از آن بود احمدی‌نژاد پس از آن سه مرحله دیگر نیز به عربستان سفر کرد ولی هیچ یک از مقامات هم‌تراز وی به ایران سفری نداشتند.

مسئله عراق

پس از اشغال عراق در سال ۲۰۰۳ توسط نیروهای بیگانه عربستان و ایران هر دو به علت نقض آشکار از این اقدام آمریکا اعتراض نمودند پایان حضور آمریکا در عراق منجر به نزدیک شدن ایران به عراق شد چرا که بیشتر از ۶۰ درصد جمعیت عراق را تشیع تشکیل می‌داد، در این میان عربستان نگران همین مسئله بوده و در حد توان تلاش نمود تا با حاکمیت عراق پس از پایان حضور آمریکا ارتباط نزدیکی داشته باشد عربستان درصدد این بود تا قدرت در دست سنی‌ها قرار گیرد شرایط به نحوی پیش رفت که انتظارات سعودی‌ها محقق نشد و برعکس روابط ایران و عراق نزدیک شده و عراق به یکی از کشورهای دوست ایران تبدیل شد به طوری که راه ورود زایران ایرانی که همیشه از دوران حاکمیت صدام جهت زیارت عتبات عالیات سخت

و دشوار بود باز شده و در سالیان اخیر بخصوص در روز اربعین قریب به دو میلیون ایرانی جهت زیارت مرقد امام حسین (ع) وارد عراق شده و این نشان از ارتباط عمیق سیاسی و اجتماعی بین دو کشور به خصوص حاکمان شیعی دو کشور است.

تلاش‌های عربستان سعودی حتی از حارث الضاری رهبر هیات المسلمین عراق که از گروه‌های سنی بود راه به جایی نرسانید آنچه عربستان سعودی به نام سرمایه‌گذاری در استان الانبار جهت تقویت گروه‌های سنی علیه حاکمیت عراق در سال‌های ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۷ انجام داد موجب فراهم نمودن دولت اسلامی گردید هر چند عربستان در ظاهر نقش خود در شکل‌گیری این فرآیند بین‌المللی را نفی می‌نماید.

مسئله هسته‌ای ایران

در مسئله هسته‌ای ایران عربستان همواره نگران موقعیت ایران در این زمینه بود به نحوی که عملاً ابراز می‌نمود برنامه هسته‌ای ایران موجبات خطرات گسترده‌ای را برای منطقه به خصوص کشورهای اعراب ایجاد خواهد نمود و بر آن شد تا با قدرتهای جهانی و صاحب تکنولوژی هسته‌ای وارد مذاکره شده و حتی با همکاری کشورهای خلیج فارس و از طریق پاکستان برای دستیابی این تکنولوژی اقدام نمود بی شک این اقدامات عربستان برای تقویت کشور خود در مقابل ایران هسته‌ای انجام پذیرفت هر چند در این یک دهه تلاش هسته‌ای ایران، عربستان روشن و به وضوح، موضع‌گیری خود را بیان ننمود، اما با هیات‌های طرف مذاکره ایران و غرب بر مسائلی چون محیط زیست، امنیت خلیج فارس و مسئله اسرائیل تاکید داشت.

پیشینه روابط ایران و سوریه

بعد از انقلاب سال ۱۳۵۷ و همچنین شعارهای انقلابی آن زمان بر علیه اسرائیل قطع روابط دیپلماسی به کشور اساساً پایه روابط ایران و سوریه را رقم زده بود بر همین رویکرد تجاوزهای اسرائیل در سوریه باعث پیوستن دو کشور و نزدیکتر شدن روابط این دو گردید همینطور در اوایل انقلاب ۵۷ بود که عراق با رهبری صدام به مرزهای ایران تجاوز نمود نقش سوریه در جنگ میان ایران و عراق نه فقط کمک‌های تسلیحاتی بود بلکه نقش اصلی سوریه عدم

— روابط خارجی ایران و عربستان در سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۲ با تاکید بر تحولات سوریه ۵

شکل‌گیری ائتلاف عربی به رهبری عراق بر علیه ایران با پیوستن و حمایت سوریه از ایران یارگیری‌های صدام با چالش جدید روبرو شد و وعده‌های او در تصرف ایران در کوتاه مدت را با ناکامی روبرو کرد. همکاری ایران و سوریه تنها معطوف به روابط بین دو کشور نبود، بلکه در حوزه بین‌المللی از جمله شکل‌گیری حزب الله در لبنان پیش‌رفته بود روابط ایران و سوریه به گونه‌ای شکل یافت که نقش این دو باعث شکل‌گیری محور مقاومت در منطقه شد هر چه از این ارتباط می‌گذشت تحکم آن بیشتر و ریشه آن در حاکمیت دو کشور بیشتر نمود پیدا می‌کرد. به نحوی که معادلات قبل در حوزه کشورهای عربی و اتحاد عرب در خاورمیانه را تحت تأثیر قرار داد، محور مقاومت را می‌توان شامل ایران، سوریه، عراق، حزب الله و حماس نامید باز پس‌گیری ارتفاعات جولان را می‌توان تحت تأثیر محور مقاومت و بی‌شک نقش ایران دانست. مذهب، حزب الله لبنان، سرنگونی صدام، علوی بودن خاندان اسد، رهبری امام خمینی (ره)، دشمن مشترک ایران و سوریه با اسرائیل بر تحکیم هر چه بیشتر روابط دو کشور افزوده است.

پیشینه روابط عربستان و سوریه

اولین رویارویی عربستان و سوریه را می‌توان به سال‌های ۱۹۶۱ و پس از آن دانست از آنجا که عربستان به علت نظام پادشاهی خود با شکل‌گیری جمهوری عربی مخالفت کرده و با همکاری اردن علیه سوریه وارد تنش شد عربستان سعودی جهت حفظ پادشاهی خود با برقراری روابط با ایران و ایالات متحده آمریکا اقدام نمود چرا که خود را در برابر واکنش‌های مصر و سوریه ناتوان دیده بود همچنین پس از روی کار آمدن نوبعی‌ها با گرایش سوسیالیستی مواضع تند خود را علیه عربستان اعلام نمودند هر چند در یک دهه پس از آن روابط دو کشور در موضع گیری‌های دو کشور در رابطه با عراق و کویت روبه بهبود رفت و این بهبود روابط تا ابتدای قرن بیست و یکم و سال ۲۰۱۱ نیز کم و بیش وجود داشت.

عربستان همواره بخصوص پس از شکل‌گیری انقلاب ایران از تحکم روابط دو کشور بیم و ابراز نگرانی داشت و این نگرانی در سال ۲۰۱۱ به اوج خود رسید و باعث گردید عربستان اقدام به اخراج سفیر سوریه از ریاض نماید. سوریه و عربستان اساساً در انتخاب مرادده با قدرت‌های بزرگ در تضاد با هم بودند به نحوی که عربستان همواره به سمت غرب و آمریکا گرایش داشته است و سوریه برعکس به سمت شرق و روسیه گرایش داشته است. واسن ارتباط سیاسی

اقتصادی و نظامی بوده‌اند. در حوزه سیاست‌های منطقه‌ای نیز سوریه همواره از حزب الله حمایت نموده و در عربستان اساساً با شکل‌گیری حزب الله مخالف بوده است در موضوع فلسطین نیز عربستان از جنبش فتح حمایت نموده و سوریه از حماس به دلیل تقویت محور مقاومت دفاع نموده است عربستان همواره مخالف سیاست‌های منطقه‌ای ایران بوده و سوریه یکی از متحدان پیشرو و مستحکم ایران بوده است. سیاست عربستان سعودی از ابتدا به دنبال حذف حاکمیت در سوریه بوده به این دلیل که اکثریت ساکنین سوریه را اهل تسنن تشکیل داده و اقلیت آن که علوی بوده که در رأس حاکمیت قرار دارد این موضوع برای عربستان در بحث ایدئولوژیک یک دلیل کافی است تا مخالفت‌های خود را با سوریه تشدید نماید. روابط سعودی‌ها با سوریه کاملاً جنبه رقابت‌گونه داشته است و عامل شکست بسیاری از طرح‌های عربستان در لبنان، مناطق فلسطینی و ... را در سیاست‌ها و برنامه‌های سوریه جستجو می‌کند (جعفری ولدانی و نجات، ۱۴۵: ۱۳۹۲).

به هر حال عربستان در گذشته به صورت پنهان در حال حاضر به صورت علنی به دنبال حذف حاکمیت سوریه بوده و جایگزین آن با حاکمیت سنی است به عبارتی می‌توان گفت تضاد ایدئولوژیک میان دو کشور دارای پیشینه طولانی است.

سوریه

موقعیت جغرافیایی سوریه اهمیت استراتژیک دارد چرا که اولاً سوریه در منطقه خاورمیانه قرار دارد؛ ثانیاً این کشور در سواحل شرقی دریای مدیترانه قرار گرفته و از ۱۸۶ کیلومتر ساحل برخوردار است؛ و در نهایت همسایگی این کشور با فلسطین اشغالی و اسرائیل، لبنان، ترکیه و عراق اهمیت استراتژیک سوریه را بسیار بالا برده است. سوریه را می‌توان خط مقدم مقاومت دانست. دلیلی دیگر برای اهمیت استراتژیک این کشور نزد بازیگران بین‌المللی توانایی سوریه برای انتقال انرژی کشورهای ایران و عراق از طریق بنادر بانباس و طرطوس در ساحل مدیترانه به سمت اروپاست. برای جمهوری اسلامی ایران سوریه حائز اهمیت بالایی است. سوریه از اولین کشورهایی بود که پس از انقلاب سال ۱۹۷۹، دولت جمهوری اسلامی ایران را به رسمیت شناخت و نیز از معدود کشورهای عربی‌ای بود که در جنگ تحمیلی عراق علیه ایران از رژیم صدام حمایت نکرد سوریه از محدود کشورهای است که در کنار ایران سیاست‌های اسراییل را

— روابط خارجی ایران و عربستان در سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۲ با تاکید بر تحولات سوریه ۵

نپذیرفته و از لبنان و فلسطین همراه با ایران حمایت کرده است.

جریان‌های مهم سیاسی سوریه و نقش عربستان و ایران

نکته‌ای که سیاستگذاران عربستان در سیاست منطقه‌ای خود به آن توجه می‌کنند تحولات و دگرگونی‌های عمده‌ای چون قدرت‌یابی شیعیان در عراق است که از منظر منافع و اهداف منطقه‌ای عربستان سعودی اهمیت بسیار دارد. این تحولات به تغییراتی در محیط منطقه‌ای عربستان منجر شده که در جهت برهم خوردن توازن قدرت منطقه‌ای به زیان این کشور و به سود ایران تعبیر می‌شود. عربستان با حمایت از معارضین سوری و ایفای نقش فعال در کنترل و هدایت بحران سوریه سعی دارد جایگاه خود را در این کشور ارتقاء دهد و با اعمال نفوذ در میان جمعیت سنی و به خصوص سلفی‌ها به آنان کمک کند تا قدرت را در این کشور به دست گیرند. عربستان به شدت نگران نفوذ منطقه‌ای ایران به خصوص در میان شیعیان است اعتراضات در ماه مارس سال ۲۰۱۱ میلادی در سوریه آغاز شد بنابراین تحولات سوریه برای هر یک از کشورهای ایران و عربستان سعودی به گونه‌ای حایز اهمیت است و هر یک سیاستی خاص را در لفظ و روش دیگری را در عمل به کار می‌گیرد. اما مهمترین موضوع برای ایران این است که حضور مخالفین در سوریه مساله‌ای امنیتی برای ایران تلقی می‌شود اما عربستان چنین نگاهی نداشته و آن را امنیتی تلقی نمی‌کند و معتقد است همین که گروهی بر علیه دولت بشار اسد بجنگد برای عربستان اکتفا می‌کند چرا که عربستان خواهان سقوط بشار اسد است تا برنامه‌های دراز مدت خود را از درون این تغییرات بیرون بیاورد و بتواند از محبوبیت خود در منطقه جهان اسلام بیفزاید چرا که عربستان ارتباط بسیار نزدیکی با امریکا دارد و در ذیل این ارتباط با اسرائیل هم ارتباطی نزدیکی دارد عربستان به نمایندگی از این دو می‌تواند در این خصوص نقش آفرینی کند که در همین زمینه رهبر جمهوری اسلامی ایران این چنین تشریح می‌کند. "دخالت آمریکا و اسرائیل در سوریه آشکار است و هر کجا حکومتی ضد اسرائیلی و ضد آمریکایی باشد، جمهوری اسلامی ایران از آن حمایت می‌کند."

ایران به این موضوع می‌پردازد که برعکس بحرین اکثریت مردم از دولت سوریه پشتیبانی می‌نمایند و مخالفین را اقلیتی از گروه‌های القاعده و اخوان المسلمین، با گرایش‌های سلفی تشکیل می‌دهند که در شهرهای مرزی مستقر بوده و از حمایت مالی، تسلیحاتی و تبلیغاتی قدرت‌های خارجی برخوردار می‌باشند. از لحاظ ژئوپلیتیک نیز به این نکته اشاره می‌شود که اینک عمق استراتژیک ایران گسترش یافته و در غرب تا سواحل دریای مدیترانه امتداد یافته

است. بنابراین، مرزهای لبنان و سوریه به عنوان خط مقدم منطقه نفوذ ایران تلقی می‌شود. حضور نیروی دریایی ایران در دریای مدیترانه در پی بازدید ناوهای ایرانی از سوریه در اسفندماه سال گذشته، حساسیت‌هایی را به خصوص برای اسرائیل که ایران را دشمن بزرگ خود می‌داند، به وجود آورد. (برگرفته از سایت تحقیقاتی خلیج فارس) رقبای ایران، اقدام مزبور را جهت گسترش نفوذ ایران در منطقه و در زمانی که انقلاب‌های عربی در جریان است، تلقی نموده‌اند. از دیدگاه مزبور، ایران با کشورهای سوریه و لبنان و مجموعه‌های حزب‌الله، جهاد اسلامی‌رو حماس، یک جبهه ضد اسرائیلی را تشکیل داده که در این اتحاد سوریه نقش پل ارتباطی را ایفا می‌کند. تام دانیلون، مشاور امنیت ملی آمریکا در دسامبر ۲۰۱۱، صریحاً اعلام نمود که: «پایان رژیم اسد موجب بزرگترین عقب‌نشینی ایران در منطقه و برهم خوردن توازن قوای راهبردی و تغییر آن در منطقه علیه ایران خواهد بود». (برگرفته از سایت تحقیقاتی خلیج فارس)

این یک واقعیت است که نا آرامی‌های سوریه مساله‌ای نیست که فقط از درون کشور سوریه مورد حمایت واقع شود بلکه این تغییرات اجتماعی از بیرون نیز هدایت می‌شود این طبیعی است که در هر کشوری یک اپوزیسیون وجود دارد اما این‌ها نمی‌توانند گروهی شبه نظامی باشند یا تروریست، هویداست این قضیه از خارج تزریق می‌شود و با یک اعتراض مدنی متفاوت است.

رویکرد عربستان سعودی در قبال بحران سوریه

در سال ۲۰۰۵ پس از ترور رفیق جریری نخست وزیر سابق لبنان رابطه بین عربستان و سوریه کمرنگ شد هر چند ارتباط تنگاتنگ بین ایران سوریه بر تیرگی روابط بین عربستان و سوریه می‌افزود و از سال ۲۰۰۸ مجدد روابط بین دو کشور بهبود یافت و ملک عبدالله به سوریه سفر کرد که این نیز سه سال بیشتر دوام نیافت. عربستان سعودی از سال ۲۰۱۱ همزمان با تیرگی روابط خود با سوریه رویه حمایت از معارضان در سوریه را در پیش گرفت هر چند با شورش در شهر درعا و در آغاز عربستان محتاطانه عمل کرد اما پس از اینکه شورش کل کشور سوریه را فرا گرفت، سرکوب توسط بشار اسد را محکوم کرد. و این تا جایی پیش رفت که عربستان سفیر سوریه را از جده اخراج کرد. سعودی‌ها مایلند سوریه را نابود کنند و برای این کار دلایل ژئوپلیتیک و ایدئولوژیک فراوانی دارند. عربستان سعودی برای سرنگونی بشار اسد از طریق اتحادیه عرب فشارهای زیادی به سوریه وارد نمود.

— روابط خارجی ایران و عربستان در سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۲ با تاکید بر تحولات سوریه ۵

گویا عربستان سعودی نسبت به حمایت مالی و نظامی تروریست‌هایی که در سوریه اقدام به ترور می‌نمایند تعیین کننده بوده است همچنین اقدام به آموزش افراد جهت ترور، آشوب، جنگ و ناامنی نیروها داشته و این نیروهای نظامی را به سوریه اعزام می‌کند سعودی‌ها مایلند سوریه را سرنگون سازند و برای این تصمیم دلایل ژئوپلیتیک و ایدئولوژیک فراوانی دارند (نیاکوئی و بهمنش، ۱۳۹۱: ۱۲۱). همچنین حمایت‌های رسانه‌ای عربستان و کشورهای همسو نظیر قطر و ترکیه از مخالفین سوریه که از طریق کانال‌های تلویزیونی متعدد نظیر الجزیره العربیه صورت می‌گیرد نشان می‌دهد، که ریاض مصدر آشوب در سوریه است.

آنچه موجب حمایت و یا هدایت عربستان از مخالفان بشار اسد در سوریه می‌شود تنها به خود سوریه ختم نمی‌شود بلکه یکی از علل‌های این نقش‌آفرینی عربستان، ارتباط بشار اسد با کشورهای است، که مخالف دیدگاه عربستان هستند. که در راس این حامیان بشار اسد ایران قرار دارد. موضع ضد اسد عربستان، حمایت و پشتیبانی‌های ریاض و دخالت نظامی مستقیم عربستان در راستای سرکوب اعتراضات اجتماعی و سیاسی شیعیان مسلمان در بحرین همگی نشان می‌دهند پادشاهی عربستان تصمیم گرفته تا در برابر نفوذ در حال گسترش و رو به رشد ایران در کشورهای عربی منطقه خاورمیانه بایستد و با آن مقابله کند.

(Kamrava, ۲۰۱۲: ۲۰-۸۰)

لذا عربستان سعودی از سال‌های ۱۹۸۲ به بعد به حمایت از سلفی‌ها سوریه پرداخته و آن را اینک به اوج رسانده است. در همین راستا، گزارش‌هایی رسیده حاکی از نقش عربستان سعودی و پشتیبانی مالی مخالفان حکومت سوریه به خصوص از گروه‌های سلفی جدید همانند جبهه النصره و جبهه اسلامی است. (جعفری ولدانی و نجات، ۱۳۹۲: ۱۶۴).

تنش ایران و عربستان سعودی بر سر تحولات سوریه

می‌توان گفت، درست برخلاف ایران، عربستان سعودی از تغییر حکومت در سوریه و روی کار آمدن یک حکومت سنی در این کشور استقبال می‌کند، چرا که این اتفاق در صورت وقوع، نفوذ ایران در منطقه و بویژه لبنان را کاهش خواهد داد و ایران را از حضور یک متحد استراتژیک در منطقه محروم خواهد کرد. هدف اصلی سیاست خارجی عربستان در قبال سوریه فروپاشی نظام سوریه و تضعیف قدرت منطقه‌ای ایران بوده است.

یکی از مهمترین دلایل تصمیم عربستان در ورود مستقیم به بحران سوریه، نگرانی این

کشور از نزدیکی استراتژیک ایران و سوریه و برقراری توازن قدرت منطقه‌ای با ایران است. از همین رو، این کشور بروز بحران سیاسی در سوریه را بهانه‌ای برای تسویه حساب با ایران یافته است.

از آنجا که تحولات عراق و لبنان به نفع ایران پیش رفته و در خارج از منطقه نیز با خروج مبارک از دایره رژیم‌های محافظه کار عرب قدرت مانور ریاض تضعیف شده است. در چنین شرایطی سوریه به کانون تلاقی منافع تهران-ریاض در آمده است. لذا در سال ۹۰ عربستان به همراه ترکیه و قطر و نیز قدرت‌های غربی از تمام قدرت نرم‌افزاری و سخت‌افزاری خود برای انتقام‌گیری از نظام سوریه و متحد استراتژیک آن یعنی ایران استفاده کردند. در عرصه دیپلماتیک نیز ریاض با سنگ‌اندازی بر رویه‌های صلح‌آمیز و طرح‌های بین‌المللی از جمله اقدامات کوفی عنان زمینه‌ساز بن‌بست موجود گشته است.

اساساً سیاست عربستان سعودی در منطقه حمایت از سنی‌های منطقه بوده و همواره این گروه‌ها را اگر اپوزیسیون بودند هدایت می‌کرد تا به حکومت برسند و اگر حاکم و همفکرش باشند را حمایت می‌کند تا بر اریکه حکومت بماند نقش عربستان سعودی و پشتیبانی مالی مخالفان حکومت سوریه به خصوص از گروه‌های سلفی جدید همانند جبهه النصره و جبهه اسلامی است (جعفری ولدانی، ۱۳۹۲: ۱۶۴).

سوریه از جمله کشورهای منطقه است که عربستان با حاکم آن بشار اسد مخالف است علت اصلی این مخالفت روابط نزدیک دولت بشار اسد با ایران است عربستان به خاطر اینکه بتواند نفوذ ایران را در سوریه قطع کند به حمایت از گروه مخالف دولت پرداخته است. و از آن طرف نیز ایران به حمایت از دولت بشار اسد مبادرت کرده و دمشق به میدان کاروزار تهران و ریاض تبدیل شد.

نکته مهمی که در اینجا باید به آن اشاره کرد این است، که حمایت عربستان از مخالفان سوریه برای این کشور تبعاتی را نیز به دنبال داشته است. افشای نقش ریاض در حوادث سوریه، به ویژه پیامدهای اقدامات سفارت عربستان در جمع‌آوری اطلاعات مورد نیاز آمریکا و فرانسه و کمک‌های مالی ریاض به مخالفین در سوریه، ریاض را دچار یک بحران شدید "بین‌العربی" نموده و این سوال را مطرح ساخته است که چرا آل سعود، یک نقش دوگانه را در قبال حوادث بهار عربی در پیش گرفته است؟ از یک طرف در مصر، بحرین، اردن و یمن در مقابل مردم قرار گرفته و با امواج خروشان قیام عربی مقابله می‌کند و از طرف دیگر با تحریک مستقیم و

— روابط خارجی ایران و عربستان در سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۲ با تأکید بر تحولات سوریه ۵

غیرمستقیم در سوریه، خواستار تشدید فشارها علیه دمشق است. (علی منصور، ۱۳۹۱: ۸۹)

هیلاری من لورت از مقامات ارشد سابق کاخ سفید که سابقه فعالیت در موضوعات مرتبط با خاورمیانه را دارد و سمت‌های مختلفی در وزارت خارجه و شورای امنیت ملی آمریکا داشته است، می‌گوید: "پیام ایران روشن است، آنها طرفدار برگزاری انتخابات آزاد و منصفانه در کشورهایمانند مصر، افغانستان، عراق و سوریه هستند." وی درباره جناح دیگر این نبرد به قدرت سخت عربستان اشاره می‌کند و می‌گوید: "آنها از گروه‌های مسلح مرتبط با القاعده حمایت می‌کنند." این مقام سابق آمریکایی با اشاره به تلاش‌های ایران برای حفظ محور مقاومت که سوریه بخشی‌هایی جدایی‌ناپذیر آن را تشکیل می‌دهد، گفت: "دو نکته مهم در اقدامات ایران برای سوریه، یکی درخواست آتش‌بس در سوریه به مدت سه ماه همزمان با پایان ماه رمضان بود و دیگری وجود انتخابات آزاد و عادلانه" وی افزود: "پیام ایران و باور این کشور این است که اگر کشوری انتخابات آزاد و عادلانه داشته باشد سیاست‌های مستقلانه‌ای را دنبال می‌کند که در راستای منافع ملی تهران است. در واقع ایران معتقد است اگر آنها سیاست‌های مستقلانه‌ای دنبال کنند، ناگزیر تمایلی هم به همراهی با سیاست‌های آمریکا یا غرب نخواهند داشت" لورت بر این باور است ایران می‌تواند علیرغم اینکه اکثریت جمعیت سوریه، سنی هستند نه شیعه، سیاست حمایت از انتخابات آزاد و منصفانه خود در سوریه را به کار ببندد و این موضوع به خاطر این نیست که ایران الزاماً فکر می‌کند هر رئیس‌جمهوری که با انتخابات روی کار بیاید طرفدار ایران و شیعیان خواهد بود. به گفته لورت: "بلکه قضیه این است که رئیس‌جمهوری که با انتخابات آزاد و منصفانه روی کار بیاید تمایلی به همکاری استراتژیک با آمریکا و ارتباط داشتن با اسرائیل نخواهد داشت، چون این اقدامات کاملاً علیه نگرش‌ها و سبقه تاریخی مردم سوریه است. در مقابل، به گفته لورت، عربستان نمی‌تواند طرفدار چنین مسیری باشد زیرا: «سعودی‌ها نمی‌توانند طرفدار آتش‌بس یا انتخابات آزاد باشند چون آنها خودشان هرگز در کشورشان انتخاباتی آزاد نداشته‌اند لورت می‌گوید: "برای عربستان مهم نیست که دولتی که در سوریه به حکومت می‌رسد برخواسته از آرای عمومی باشد بلکه این مهم است کارگزاران سوریه از همفکران عربستان باشد و با ایران مخالف باشد سعودی‌ها به دلیل اینکه حکومتشان یک حکومت اقتدارگرایی است به دنبال انتخابات آزاد نخواهند بود.

این مقام آمریکایی در پایان تأکید می‌کند: «جمهوری اسلامی که ما آن را خشن می‌پنداریم از زمان انقلاب سال ۱۹۷۹ هیچ کشوری را تهدید به حمله نکرده است. نبردی که امروز در

جریان است بین ایران است که پیام‌آور آزادی برای سوریه است و عربستانی که با این پیام می‌جنگد. "بازگشت آرامش و حل و فصل بحران سوریه از طریق رویه‌های دیپلماتیک برخلاف منافع و مصالح سعودی است. لذا به نظر می‌رسد دخالت‌های نظامی و حمایت مالی این کشور از مخالفین سوریه همچنان تداوم داشته باشد. از سوی دیگر عربستان مایل به همکاری سازنده با اخضر ابراهیمی نماینده سازمان ملل متحد در امور سوریه نیز نبود. العالم به نقل از موسوی بیان کرد: ایران در حالی آماده میزبانی مذاکرات ملی سوریه است که همه تحرکات بین‌المللی برای تضعیف دمشق، تخریب و دخالت در امور این کشور از طریق اعمال فشارهای سیاسی و حمایت مالی، تسلیحاتی و رسانه‌ای از گروه‌های مسلح فعال در آن کشور شکست خورده است. وی افزود: سفر کوفی عنان، نماینده سازمان ملل متحد در امور سوریه، به تهران نشان داد که همه تلاش‌ها برای تخریب و تضعیف دمشق ناکام مانده است.

موسوی با اشاره به اینکه آمریکا و برخی طرف‌های غربی و عربی مصوبات ژنو را نمی‌پذیرند، گفت: سوریه به طرح جدید کوفی عنان که مکمل طرح ۶ ماده‌ای قبلی وی است، نیز پایبند است. موسوی اظهار کرد: کوفی عنان در سفر به تهران مسائل بسیاری را با مسئولان ایرانی بررسی کرد و این موضوع‌ها را به صورت گسترده با وزیر خارجه و دبیر شورای عالی امنیت ملی در میان گذاشت. مدیر مرکز مطالعات استراتژیک و روابط بین‌الملل همچنین به شبکه العالم گفت: ایران به صورت جدی طرح خود را برای پایان دادن به دخالت‌های طرف‌های منطقه‌ای و بین‌المللی در امور سوریه و متوقف کردن خونریزی‌ها در این کشور ارائه کرده است. (برگرفته از وب سایت مرکز مطالعات استراتژیک و روابط بین‌الملل)

پیش از این، وزیر خارجه ایران در گفتگویی با شبکه خبری العالم در ماه اکتبر، از آمادگی تهران برای میزبانی نشست معارضان و دولت سوریه خبر داده بود. صالحی با اعلام اینکه تهران آماده دعوت از معارضان سوریه برای گفت و گو است، اظهار کرده بود: آمادگی داریم معارضان را به ایران دعوت و شرایط لازم را برای گفتگو بین آنها و دولت سوریه فراهم کنیم.

موضع تازه ایران برای میانجیگری میان معارضان و دولت سوریه، اما پس از سفر ماه اکتبر صالحی به امارات متحده عربی که از سوی رسانه‌ها «سفر غیرمنتظره» خوانده شد و همچنین رایزنی صالحی و سعید جلیلی، دبیر شورای امنیت ملی با کوفی عنان در تهران اعلام شد.

اما آن طور که العالم به نقل از مدیر مرکز مطالعات استراتژیک و روابط بین‌الملل ایران خبر داده است، صالحی در سفر خود به ابوظبی، افزون بر دیدار با مقامات اماراتی در دیدار با مقامات

— روابط خارجی ایران و عربستان در سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۲ با تاکید بر تحولات سوریه ۵

عربستان سعودی نیز درباره سوریه گفت و گو کرده است. دو کشوری که در مقایسه با ایران، موضع متفاوتی در قبال سوریه دارند و از معارضان سوری در برابر دولت بشار اسد حمایت می‌کنند. موضوع حل بحران سوریه، اما به فاصله یک روز پس از این سفر، در تهران در رایزنی کوفی عنان پی گرفته شد. مقامی بین‌المللی که پیش از آمدن به تهران در دمشق با بشار اسد ملاقات کرده بود و بعد از گفتگو با مقامات ایرانی نیز به بغداد رفت و به دیدار مسئولان دولت عراق شتافت. (علی منصور، ۱۳۹۱: ۸۹)

در ماه آوریل ۲۰۱۲ کوفی عنان، نماینده سازمان ملل متحد و اتحادیه عرب در امور سوریه برای دومین بار در ماه‌های اخیر به تهران آمد. کوفی عنان پس از دیدار با صالحی در تهران به خبرنگاری گفته بود: «باید گفت و گوهای سیاسی بین سوری‌ها انجام شود تا خودشان در مورد آینده‌شان تصمیم‌گیری کنند؛ تجربه من نشان می‌دهد که ایران می‌تواند در این زمینه نقش مثبتی داشته باشد.»

به دنبال این مسایل علی لاریجانی در همایشی با عنوان حج و اقتصاد از روابط خوب ایران و عربستان گفت و تاکید داشت که ایرانیان به سرزمین حجاز عشق می‌ورزند و هیچ موضوعی نباید روابط خوب ایران و عربستان را بر هم بزند. این نکات در سال ۹۱ مطرح شده است اما چندی پس از آن می‌بینیم کارگزاران دولت عربستان به گونه‌ای دیگر رفتار کرده و به تنش میان دو کشور می‌افزایند.

اگر بخواهیم مهمترین مسایل تنش‌زای ایران و عربستان را در سال‌های اخیر بیان کنیم، یقیناً انرژی هسته‌ای، تحولات سوریه، بحران بحرین، لغو سفر حج عمره ایرانی‌ها در ماه‌های شعبان و رمضان سال ۹۰، اعدام ناگهانی چندین ایرانی که به اتهام قاچاق مواد مخدر در عربستان در زندان بودند، افزایش تولید نفت، شرایط عراق، وضعیت شرق عربستان، یمن، موضع‌گیری‌های عربستان در خصوص شورای همکاری خلیج فارس و غیره .. می‌باشد.

نتیجه‌گیری

قدر مسلم روابط ایران و عربستان از ابتدای تشکیل دولت سعودی با ایران دارای فراز و نشیب‌های فراوانی بوده است اما آنچه مسلم است از سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۲ تنش میان دو کشور که از قدرت‌های مهم منطقه می‌باشند بالا گرفته و این تنش‌ها غالباً نه بر سر منافع ملی

بلکه بر سر ایدئولوژی بوده و علل هر یک نیز یکی از کشورهای دوست دیگری است از آنجا که سوریه کشوری با دوستی دیرینه از ابتدای انقلاب ۱۳۵۷ ایران بوده و همیشه در فشارهای بین‌المللی علیه ایران در کنار ایران ایستاده و همینطور از لحاظ ایدئولوژی همسو با ایران است. یقیناً ایران در این برهه که سوریه به همکاری و همیاری نیازمند است همراه با سیاست‌های سوریه و برخلاف میل عربستان در حرکت است. و اینجاست که ایران و عربستان در سوریه جنگی ایدئولوژی محور را محوریت می‌بخشد و عربستان از ابتدای ناآرامی‌ها در سوریه به طیف مخالف پیوسته و ایران از حاکم یعنی بشاراسد حمایت کرده هر چند تاکنون پیروزی هیچ یک از گروه‌ها بر دیگری نمایان نشده اما تحولات سوریه موضوعی بود که بر تنش‌های دو کشور افزوده و تا حصول نتیجه یک هیچ برون رفتی قابل رویت نیست.

منابع فارسی

- آقای، سید داود، ۱۳۹۴، سیاست و حکومت در عربستان سعودی، تهران: نشر میزان
- اخوان کاظمی، بهرام، ۱۳۷۳، مروری بر روابط ایران و عربستان سعودی در دو دهه اخیر، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.
- اسدی، بیژن، خلیج فارس و مسائل آن، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۸۱
- احمدی، سید عباس. (۱۳۸۶) جغرافیای شیعه؛ نگاهی به پراکنش جغرافیایی شیعیان. تهران: نشریه جام سال نهم.
- خویی، احمد، «همگرایی‌های استراتژیک در خلیج فارس»، مجموعه مقالات دومین سمینار بررسی مسائل خلیج فارس، مرکز مطالعات خلیج فارس، ۲۹ آبان - اول آذر ۱۳۶۸، تهران: وزارت امور خارجه: موسسه چاپ و انتشارات، ۱۳۷۲.
- اخوان کاظمی، بهرام، «واگرائی‌ها و همگرایی‌ها در روابط ایران و عربستان سعودی»، فصلنامه مطالعات خاورمیانه، سال هفتم، شماره ۲۰، تابستان ۱۳۷۹.
- جعفری ولدانی، اصغر ۱۳۸۵، ایران و مصر: از رقابت تا همکاری، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۳۳۱-۳۳۲.
- جعفری ولدانی، اصغر و سید علی نجات (۱۳۹۲)، نقش قدرت‌های منطقه‌ای در بحران (۱۳۹۰، ۱۳۹۳) فصلنامه مطالعات خاورمیانه، سال بیستم، شماره چهارم، صص ۱۷۶-۱۴۱ سوریه.
- خویی، احمد، «همگرایی‌های استراتژیک در خلیج فارس»، مجموعه مقالات دومین سمینار بررسی مسائل خلیج فارس، مرکز مطالعات خلیج فارس، ۲۹ آبان - اول آذر ۱۳۶۸، تهران: وزارت امور خارجه: موسسه چاپ و انتشارات، ۱۳۷۲.
- سبحانی‌فر، محمد جواد، «تأثیر عوامل همگرایی و واگرایی در روابط دو کشور ایران و عربستان»، فصلنامه مطالعات دفاعی استراتژیک، شماره، ۱۸، بهار ۱۳۸۳.
- فولر، گراهام، ۱۳۷۳، قبله عالم ژئوپلیتیک ایران، ترجمه مخبر، عباس، تهران: نشر مرکز.
- سبحانی‌فر، محمد جواد، «تأثیر عوامل همگرایی و واگرایی در روابط دو کشور ایران و عربستان»، فصلنامه مطالعات دفاعی استراتژیک، شماره، ۱۸، بهار ۱۳۸۳.
- منصوری علی، ۱۳۹۱، رساله روابط خارجه کشورهای ایران و عربستان.

- ◊ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال چهاردهم، شماره چهل و چهارم، پاییز ۱۳۹۷
- نجات، سید علی (۱۳۹۳)، " رویکرد سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در قبال تحولات نوین خاورمیانه"، فصلنامه سیاست، سال اول، شماره چهارم، صص ۶۱-۷۶.
- نیاکوئی، سیدامیر و حسین بهمنش (۱۳۹۱)، " بازیگران معارض در بحران سوریه: اهداف و رویکردها"، فصلنامه روابط خارجی، سال چهارم، شماره ۴، صص ۹۷-۱۳۵.

منابع انگلیسی:

- Cordesman, A., & Rodhan, K. (۲۰۰۷). Gulf Military Forces in the Area of Asymetric Wars. Washington: CSIS.
- Cordesman, A. (۲۰۰۱). Saudi Arabia and Iran. Washington: CSIS.
- Salman Al Saud, F. (۲۰۰۳). Iran, Saudi Arabia and the Gulf. London: Tauris.
- Cordesman, A., & Rodhan, K. (۲۰۰۷). Gulf Military Forces in the Area of Asymetric Wars. Washington: CSIS.
- Cordesman, A. (۲۰۰۱). Saudi Arabia and Iran. Washington: CSIS.
- Fialka, J. A. (۲۰۱۱). Saudi Troops in Saudi Arabia Move to Military Nations Split Costs.
- Jay Solomon, "Saudi Suggests 'Squeezing' Iran over Nuclear Ambitions," Wall Street Journal, June ۲۲, ۲۰۱۱; "Saudi seek nuclear arms if Iran gets them," Gulf Times, July ۱, ۲۰۱۱.
- NSF: Telegram from US Ambassador in Tehran to Rusk (۴۱), ۲۰ April ۱۹۶۸, 'IranCables Vol. II ۶۶-۶۹ [۱ of ۲], ' box ۱۳۶, Country File, Iran, LBJ Library.
- Mehran Kamrava, "The Arab Spring and the Saudi-led Counterrevolution," Orbis, LVI:۱ (۲۰۱۲), ۱۰۱-۰۳